

1988-1991

48 48 48

جزئیات

بیت المقدس

بیت المقدس  
 اکر کا تو تعلق  
 رہا تم  
 ذکر در بیت المقدس

بیت المقدس  
 اکر کا تو تعلق  
 رہا تم  
 ذکر در بیت المقدس

اگر تندر استخوان شانه  
 فر و کوفت بر اینها تسمه تا زمانه  
 اکر مرگ بلعد و تلج  
 بر آمد چنان مکتل مول  
 بی استانه  
 اچانم اکر سر دینس د

در خاطر محو جاسس و یاد  
 اکر خانه ام آسوی دقت کم شد  
 کرم نام بر داشت  
 و با خود در آسوی برت پر آکند  
 بی تسمه

اگر از رگایم  
 کد از لده بر بھاشد روانه  
 اکر نام من با شرم مدی سراسر انعام  
 فر و کوفت در تلجی  
 زمین نیز کرم خانه جان مو علی  
 به جز کرمی با زانی  
 بی تسمه



مراد آموزه ای آنکه از سنگ خار اهل می چکاند،  
و در ظلمت سرد کولاک،

فروزینه ای جاودان می دواند:  
که از دشنه ای که روان می شود تا بن جان  
واز سنگمائی که مستند از جانب مرگ پیران،  
-نباید بترسم!

نگفتم؟!!

جهان می شکو قد به منقار مرغ بهاران .  
زمین ، چهره در ارشوان می دواند،  
و عشق من و تو  
بر و نتاب خواهد شد از قلعه سردستگی .  
ندیدی مگر  
-ای همه دیده -

ای دوست؟

مرا بکنیدند در همق آن دره خار و خنجر .  
چو بر خاستم باز دیدم:

که از سبزی عشق، تر مستم و تازه مستم،  
و نام مرانی لبکها

روی دشتما می نوازند .

روی دشتمائی که شان هر شبانروز

-خوش می پرستم!

اگر سوخت بالم، و گرس سوخت دستم،

من آموختم پور قنوس مستم

-نباید بترسم!

چرا که هرگز نرفتم

میرزا آقا هسکری

آذر ماه ۱۳۶۷